



مقدمه

تربیت امروزه نه تنها در جوامع و خانواده های مسلمان مورد توجه قرار گرفته و هر پدر و مادری آرزو می کند که فرزندان خود را طبق رهنمودهای صحیح و اصول و ارزش های والای انسانی و الهی تربیت نموده و در آینده فرزندی رشد یافته و کارآمد داشته باشد بلکه اهداف عالی و اخلاقی تعلیم و تربیت از مهم ترین دغدغه های جهانی است.

سازمان ملل متحد در بند 2 از ماده 26 اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر داشته است که: تعلیم و تربیت باید به توسعه شخصیت انسان و تقویت و احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی متوجه گردد و تفاهم و اغماض و مودت را بین کلیه ملل و دسته های نژادی و مذهبی به وجود آورد و موجب پیشرفت فعالیت های ملل متحد در راه حفظ صلح شود. (1)

موضوع این نوشتار افزون بر اهمیتی که در خودمسئله تربیت وجود دارد به نقطه نظرات شخصیتی برمی گردد که خود نمونه بارزی از یک انسان کامل و تربیت یافته در مکتب نبوی، علوی و فاطمی است و هم چنین پرورش دهنده فرزندانی است که هر کدام به نوبه خود به عنوان اسوه های عالی و تجلی ارزش های والای انسانی در تاریخ بشر می درخشند. امام حسن مجتبی (علیه السلام) همان شخصیت تربیت یافته در دامن رسالت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در مورد وی فرمود: حسن پسر من است، او از من است. او نور چشم من و روشنایی قلب من می باشد، او میوه جان من است، او سید و آقای جوانان اهل بهشت است. او حجت خدا بر امت من می باشد. دستورات او دستورات من و سخن او سخن من است، کسی که از او پیروی کند او از من است و کسی که با دستورات او مخالفت کند از من نیست. (2)

خصلت های زیبا و کمالات عالی انسانی آنچنان در وجود مقدس وی می درخشد که حتی دشمنانش را نیز به

اعجاب و تحسین واداشته است. ابن حجر عسقلانی از دانشمندان اهل سنت می نویسد:

هنگامی که حسن بن علی (علیه السلام) از دنیا رفت یکی از دشمنان سرسخت آن حضرت در تشییع جنازه او گریه می کرد. حسین بن علی (علیه السلام) به او گفت: تو با آن همه اذیت و آزار و مخالفت که در مورد برادرم روا می داشتی باز هم گریه می کنی؟ او گفت: «اَنْتَ كُنْتَ اَفْعَلَ ذَلِكِ اِلَى اِحْلَمِ مِنْ هَذَا وَ اِشَارَ بَيِّدِهِ اِلَى الْجَبَلِ؛ (3) من به کسی بدی می کردم و آزارش می دادم که صبورتر و حلیم تر از این کوه ها بود.»

در مورد مقام ارجمند آن حجت الهی همین بس که حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) با آن عظمت و جلالت خویش در مقابل دستورات و اوامر امام حسن (علیه السلام) تسلیم محض بود. امام باقر (علیه السلام) فرمود: «ماکَلَمَ الحُسَيْنَ بَيْنَ يَدَيِ الحَسَنِ اعْظَاماً لَهُ؛ (4) امام حسین (علیه السلام) به خاطر رعایت عظمت امام حسن (علیه السلام) هیچ گاه در مقابل سخن او حرفی نمی زد.»

سیره تربیتی امام حسن (علیه السلام)

در سیره تربیتی امام حسن (علیه السلام) مسائل تربیتی و نکات باریک روان شناختی قابل توجهی دیده می شود که می تواند به عنوان الگو و روش صحیح تعلیم و تربیت کودکان مطرح شود و بهترین فنون پرورش کودکان برای والدین و مربیان است.

در این شیوه مسائل اساسی و ریشه دار تربیت، عوامل و نقش آفرینان در این صحنه، شیوه های اصلاح رفتار و جلوگیری از لغزش ها، صفات و شرائط مربیان برتر، راههای مقابله با مشکلات و حل آنان، تربیت دینی، اهمیت الگو و سرمشق، موانع و آفات تربیت، اهمیت خانواده و نقش بنیادی والدین از جمله مواردی است که مورد توجه قرار گرفته است که برخی از آنان در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد.

اهمیت تربیت

انسان موجودی ترقی خواه و دارای استعداد کمال است و برای سیر تکاملی خویش لازم است با پیروی از یک روش تربیتی قوی و کامل تلاش نماید و در کنار پرورش جسم در تعالی روح خود و فرزندانش نیز کوشا باشد و گر نه ماهیت انسانی اش را از دست خواهد داد. امام حسن مجتبی (علیه السلام) در مورد اهمیت تربیت معنوی و روحی می فرماید: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيُجَنَّبَ بَطْنُهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُودِعُ صَدْرَهُ مَا

یُرْدِيهِ؛ تعجب می کنم از فردی که در غذای جسمانی خود فکر می کند (که سالم و بهداشتی و پاکیزه باشد) اما در غذای روح و جان خویش نمی اندیشد»، در نتیجه شکم خود را از غذاهای زیانبخش حفظ می کند ولی برایش اهمیتی ندارد که افکار پلید و ناپسند در روان او وارد شده و وجودش را در معرض افکار پست و انحرافی قرار دهند.

نقش آفرینان در تربیت

والدین

از منظر امام حسن مجتبی (علیه السلام) پدر و مادر در شکل گیری شخصیت فرزندان اساسی ترین نقش را دارند به این جهت آن حضرت به مردی که در مورد خواستگاران دخترش از آن حضرت نظرخواهی می کرد، به نقش پدر آینده و مدیر خانواده اشاره کرده و فرمود: «زَوْجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمَهَا؛ (5) برای همسری دختری با تقوا و مؤمن برگزین، زیرا اگر او دختر ترا دوست بدارد وی را احترام خواهد کرد و اگر خوشایند او نباشد به وی ظلم نمی کند.»

همچنین آن گرامی به اهمیت نقش مادر پرداخته و هنگامی که بامعاویه مناظره می کرد در مورد یکی از علل انحراف معاویه از محور حق و انحطاط اخلاقی وی از نقش مادرش هند یاد کرده و گفت: معاویه! چون مادر تو «هند» است و مادر بزرگت «نثیله» می باشد و تو در دامن چنین زنان فرومایه و پست پرورش یافته ای این گونه اعمال زشت از تو سر می زند و سعادت ما اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) در اثر تربیت در دامن مادرانی پاک و پارسا همچون خدیجه و فاطمه می باشد. (6)

نقش رفیق

بدون تردید بعد از خانواده مهمترین عاملی که در خلق و خوی فرزندان تأثیر می گذارد رفقا و دوستان وی هستند.

حضرت امام مجتبی (علیه السلام) در تربیت فرزندان خویش به نقش مهم رفیق توجه داشته و به داشتن دوستانی سالم عنایت ویژه مبذول کرده است. آن حضرت به فرزندش سفارش می کند که: فرزندم! با هیچ کس دوستی مکن مگر اینکه از رفت و آمد (ویژگی های روحی، اخلاقی و رفتاری) وی آگاه گردی، هنگامی که دقیقاً بررسی و تحقیق نمودی و معاشرت و دوستی با او را برگزیدی، آن گاه با او بر اساس گذشت و چشم پوشی از لغزش ها و یاری کردن در سختی ها همراه باش! (7)

مربی و معلم

حساسترین دوران رشد کودک در مراکز آموزشی و مدرسه سپری می شود و مربیان و معلمان با گفتار و رفتار و منش خود صفات و اخلاق روحی و روانی شان را به فرزندان منتقل می کنند و دانش آموزان بیشترین تأثیر را از اساتید و مربیان خود می گیرند بنابراین بخش مهمی از شخصیت فرزندان بستگی به معلمان و اساتید وی دارد. در این راستا امام حسن (علیه السلام) تأثیر چشمگیر معلمان و نقش ارزنده آنان در عرصه تربیت را یاد آور شده و آنان را به تربیت صحیح دانش آموخته گان سفارش کرده و فرمود: کسی که یتیم آل محمد (صلی الله علیه و آله) (دانشجو و دانش آموز دینی) را سرپرستی نماید و به جای پدر و اولیاء دلسوزش وی را تحت مراقبت خویش قرار دهد، یتیمی که در ورطه جهل و ناآگاهی فرورفته است. چنانچه او را از جهل برهاند و امور مشتبه و به هم آمیخته را برای او توضیح دهد و به تأمین نیازهای مادی او نیز اقدام نماید فضیلت و بلندی مقام وی (در مقایسه با دیگران) همچون درخشش خورشید به (سها) و ستاره کم نور است. (8)

محافل عمومی و مذهبی

محافل عمومی و مذهبی از دیگر عوامل تربیت در منظر امام حسن مجتبی (علیه السلام) است. آن حضرت در گفتاری حکیمانه افزون بر نقش مجالس و کانون های اجتماعی در اخلاق افراد به شرکت در محافل مفید و سازنده توصیه نموده و می فرماید: کسی که پیوسته به مساجد رفت و آمد داشته باشد یکی از هشت بهره را نصیب خود خواهد کرد: آشنائی با دوستان جدید، استفاده از دانش های نو و اطلاعات تازه و نایاب، یافتن دلیل محکم و قاطع در راه هدف، رسیدن به رحمتی مورد انتظار از طرف خداوند، آموختن سخنانی که او را از لغزش و خطاها باز می دارد، یاد گرفتن راههای صحیح و هدایت بخش، ترک گناه از ترس خداوند، خودداری از معصیت به خاطر شرم از مردم و ترس از رسوائی. (9)

در اینجا به برخی از روش های تربیت در سیره آن حضرت می پردازیم:

الف. تحریک حس کمالخواهی

انسان ذاتاً شخصیت خود را دوست دارد و سعی می کند که با کسب کمالات محبوبیت و عزت خود را تقویت کرده و بالا ببرد. مربیان می توانند با استفاده از این خصلت و تحریک حس برتری طلبی فرزندان آنان را به سوی اهداف صحیح تربیتی هدایت کنند.

امام حسن (علیه السلام) از این شیوه در تربیت فرزندان استفاده می کرد. آن حضرت روزی فرزندان خود و فرزندان برادرش را دعوت کرده و در ضمن یک گفتگوی صمیمی به آنان فرمود: «إِنَّكُمْ صِغَارٌ قَوْمٌ وَ يُوشِكُ أَنْ تَكُونُوا كِبَارَ قَوْمٍ آخَرِينَ ، فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ ، فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ أَنْ يَحْفَظَهُ فَلْيَكْتُبْهُ وَ لِيَضَعْهُ فِي بَيْتِهِ؛ (10) شما خردسالان قومی (نسلی) هستید که به زودی بزرگان قوم (نسلی) دیگر می شوید. پس دانش بیاموزید و هر يك از شما که نمی تواند علم را در حافظه اش نگه دارد، آن را بنویسد و در خانه اش نگهداری کند.

ب. شناساندن الگوهای غرب

انسان در دوران نوجوانی شدیداً به دنبال الگو می گردد و حس تقلید او را وادار می کند تا از الگوهای دلبخواهش تقلید نماید. این خواسته درونی وسیله مناسبی است که مربیان و والدین در امر تربیت از آن بهره گیرند و الگوهای خوب را در معرض دید فرزندان قرار دهند و به او معرفی نمایند. امام مجتبی (علیه السلام) در سیره و سخن خویش به الگوی نیکو اشاره کرده و آنان را به پیروانش می شناساند. آن حضرت بعد از شهادت پدر بزرگوارش به معرفی شخصیت ممتاز تاریخ، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرداخته و آن گرامی را به عنوان سرمشق خوبان عالم معرفی کرده و فرمود: ای مردم! در این شب مردی از دنیا رفت که در هیچ کار نیکی پیشینیان بر او سبقت نگرفتند و بندگان خدا در هیچ سعادتى به او نمی توانند رسید او به همراه پیامبر (صلی الله علیه وآله) جهاد می کرد و جان خود را فدای او می نمود. (11)

آن حضرت در سخن دیگری حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را مقتدای نیایشگران به شمار آورده و در مورد آن بانوی وارسته فرمود: «مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ كَأَنْتَ تَقُومُ حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا؛ (12) در دنیا شخصی عابدتر از فاطمه (سلام الله علیها) نبود، آن بزرگوار در حالت مناجات و عبادت آنقدر روی پاهای خود می ایستاد تا آن که پاهای مبارکش ورم کرد.»

ج. شیوه حلم و خویشتن داری

حلم و بردباری مربیان در ارتباط با متربیان حساسیت خاصی دارد. زیرا نوجوانان و کودکان در اثر بازیگوشی و شیطنت ممکن است دچار خطاها و لغزشهایی شوند و موجبات ناراحتی بزرگترها را فراهم آورند اما استفاده از این شیوه مربیان را بیشتر یاری خواهد کرد. و طعم شیرین مدارا و گذشت را در آینده نزدیک خواهند چشید. این شیوه را در رفتار امام حسن (علیه السلام) به نظاره می نشینیم:

روزی امام حسن مجتبی (علیه السلام) سوار بر مرکب خویش، در یکی از معابر مدینه عبور می کرد. با مردی از اهل شام مواجه شد. آن مرد شامی تا حضرت را شناخت بی درنگ به لعن و نفرین امام پرداخته و سخنان ناشایستی را نثار امام کرد. حضرت امام مجتبی (علیه السلام) در همان حال با کمال خونسردی و بردباری تمام سخنان زشت و دشنامهای ناروای او را با سکوت و صبر تحمل کرد و خشم خود را فرو می برد. تا این که مرد شامی عقده دل را خالی کرده و خاموش شد. در آن لحظه پیشوای دوم شیعیان با سلام بر آن مرد، سکوت آن چند لحظه خاموشی را شکسته و با لبخندی ملیح که حاکی از صفای دل آن جناب بود و در حالی که مهر و عاطفه و محبت در چشمان نافذ و سیمای نورانی اش موج می زد لب به سخن گشوده و به آرامی فرمود: ای مرد! گمان می کنم که در این شهر غریب باشی و شاید هم مرا به اشتباه گرفته ای؟ حالا اگر از ما رضایت بطلبی از تو راضی می شویم و اگر چیزی از ما بخواهی، به تو می بخشیم، اگر راه گم کرده ای راهنمایی می کنیم، اگر گرسنه ای تو را سیر می نمائیم، اگر لباس نداری تو را می پوشانیم، اگر نیازمندی تو را غنی می کنیم، اگر از جائی رانده شده یا فراری هستی تو را پناه می دهیم اگر خواسته ای داری بر می آوریم، اگر توشه سفر را پیش ما آوری و مهمان ما باشی برای تو بهتر است و تا هنگام رفتن از تو پذیرائی می کنیم. چون که خانه ما وسیع و امکانات مهمان نوازی مان فراهم است.

آن مرد وقتی با این برخورد کریمانه حضرت مواجه شد و سخنان شیوا و دلنشین آن بزرگوار را شنید، آرام آرام احساس کرد که ناراحتی خاصی در درون وجدانش او را می آزارد. آثار شرم و حیا بر صورتش ظاهر شده و پیش از آن که سخنی بگوید، اشک ندامت بر گونه هایش لغزید و بالحنی خاضعانه و مؤدبانه عرضه داشت: شهادت می دهم که تو خلیفه خداوند بر روی زمین هستی، خداوند دانایتر است که رسالتش را در کدام خانواده قرار دهد:

(اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ) تا این لحظه شما و پدران منفورترین خلق خدا نزد من بودید و اکنون شما را محبوبترین فرد روی زمین می دانم. آن گاه به همراه امام حسن (علیه السلام) راهی خانه آن حضرت شد و تا روزی که در مدینه بود در مهمانسرای حضرت پذیرائی می شد. بعد از آن واقعه در ردیف دوستان و ارادتمندان خاص اهل بیت (علیه السلام) قرار گرفت. (13)

د. شیوه های رفتاری

والدین و مربیان مهمترین آموزه های تربیتی را می توانند با اعمال شایسته خویش در وجود فرزندان پدید آورند. زیرا آموزه های رفتاری بطور غیر مستقیم و ناخود آگاه در نهاد نونهالان تأثیر می گذارد. اگر آنان فقط به گفتارها و

توصیه های خالی از عمل بسنده کنند ممکن است کودکان در دل خود این ابیات را زمزمه کنند که:

پندم چه دهی نخست خود را	محکم کمری زپند ببرند
چون خود نکنی چنان که گویی	پند تو بود دروغ و ترفند

با مروری کوتاه به سیره عملی امام مجتبی (علیه السلام) بهره گیری از این شیوه را بالعیان مشاهده خواهیم کرد که تمام کمالات اخلاقی و معنوی و انسانی در سراسر زندگی آن حضرت به چشم می خورد. عفو و گذشت، حلم و بردباری، تواضع و فروتنی، عبادت و راز و نیاز کرامت و بخشش و سایر خصلت های ویژه انسانی در زندگی آن حضرت مشهود است. نمونه ای از سیره عملی آن حضرت را با هم بخوانیم:

یکی از غلامان خدمتگزار حضرت امام حسن (علیه السلام) مرتکب جنایتی شد که سزاوار کیفر بود. حضرت دستور داد تا وی را تنبیه نمایند. غلام خطاکار در آن لحظه پیشدستی کرد و خطاب به امام (علیه السلام) این آیه را قرائت نمود: **(وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ)**؛ انسان های وارسته از خطای گنه کاران عفو می کنند. حضرت فرمود: بخشیدم. غلام ادامه داد **(وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)**؛ خداوند نیکوکاران را دوست دارد. امام فرمود: ترا در راه خدا آزاد کردم. (14)

هـ. تشویق

از موفق ترین شیوه های تربیتی تشویق و ترغیب افراد است. این شیوه علاوه بر اینکه محرکی بسیار قوی در تغییر رفتار به سوی اهداف مطلوب تربیتی است در شکوفا سازی و استعدادهای درخشان و نهفته انسانی نقش فوق العاده ای دارد. تجربه نشان داده است که تشویق مناسب و بجا می تواند نهفته ترین استعدادهای درونی کودکان و نوجوانان را زنده کرده و در مرحله پیشرفت و سازندگی قرار دهد و آنان را در رسیدن به اهداف مهم و حیاتی و کمالات قوی دل و استوار سازد. نقل دو روایت از امام حسن (علیه السلام) اهمیت به نقش تشویق را در سیره آن بزرگوار روشن می کند:

1- انس بن مالک می گوید: یکی از کنیزان امام حسن (علیه السلام) شاخه گلی را به حضور آن حضرت هدیه نمود، امام حسن (علیه السلام) آن شاخه گل را با کمال میل پذیرفته و به او فرمود: ترا در راه خدا آزاد کردم. من به عنوان اعتراض گفتم: در مقابل اهداء یک شاخه گل او را آزاد کردی؟ امام فرمود: خداوند در قرآن به ما چنین یاد داده و فرموده است: **(وَ إِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا)**؛ «هرگاه کسی به شما تحیت گوید پاسخ آنرا بهتر از آن بدهید» سپس فرمود: پاسخ بهتر همان آزاد کردن اوست. (15)

2- روزی آن حضرت غلام جوانی را دید که ظرف غذایی در پیش دارد او لقمه ای از آن می خورد و لقمه دیگر را به سگی که نزدیک او نشسته بود می داد. امام حسن (علیه السلام) پرسید: چرا چنین می کنی؟ پسر نوجوان پاسخ داد: من خجالت می کشم که خورم غذا بخورم و این سگ گرسنه بماند. حضرت مجتبی (علیه السلام) خواست که به این غلام مهربان پاداشی نیکو عنایت کند به این جهت او را به خاطر این عمل نیک، از مولایش خرید و آزاد کرد و باغی را که در آن کار می کرد خریده و به او بخشید. (16)

9. ورزش و تفریح

در امر تربیت توجه به شادی سالم و روحیه بخش و حرکات نشاط آفرین جایگاه ویژه دارد. چرا که تفریح و ورزش کودکان و نوجوانان را پرتوان، فعال و نیرومند می سازد و افرادی که با نشاط باشند آموزه های اخلاقی و کمالات را بهتر می پذیرند. اساساً تربیت یافتگان مکتب حیات بخش اسلام باید شاداب و روحیه های قوی داشته باشند. امام مجتبی (علیه السلام) یکی از ویژگی های مؤمنین را پرنشاط بودن آنان می داند و می فرماید: از ویژگی های انسانهای با ایمان، شادی و نشاط داشتن در مسیر هدایت و خودداری از شهوات است. (17)

این روحیه در والدین و کسانی که امر تربیت را به عهده دارند به مراتب باید بیشتر رعایت شود، زیرا کودکان دوست دارند شاد و خندان باشند و از والدین و معلمان عبوس و گرفته در رنج و عذابند.

چون وانمی کنی گرهی خود گره نباش || ابرو گشاده باش چو دستت گشاده نیست

برای تربیت فرزندان پرنشاط و دارای روح و جسمی سالم شایسته است که مربیان و والدین خود از چنین صفاتی برخوردار باشند. در این زمینه نباید از نقش ورزش غافل بود. در سیره امام حسن (علیه السلام) ورزش از روش های تفریح، سرگرمی و تقویت جسم و روح و بالاخره از عوامل رشد و تربیت محسوب می شود آن حضرت ضمن شرکت در ورزشهای تربیتی و تفریحی از پرورش روحی و معنوی نیز غافل نبود. عاصم بن ضمره می گوید: روزی به همراه حسن بن علی (علیه السلام) برای گردش و تفریح به ساحل فرات رفته بودیم، عصر آن روز در حالی که روزه بودیم آب صاف و زلال فرات، روی سنگ ها و شن ها موج می زد و تمام اشیاء داخل آب در مقابل چشمان ما خودنمایی می کردند. حسن بن علی (علیه السلام) گفت: اگر لباس شنا داشتم داخل آب می شدم و آب تنی می کردم. گفتم: من دارم و آن را در اختیار شما می گذارم. فرمود: پس خودت چه می پوشی؟ گفتم: من همین طوری به داخل آب می روم. فرمود: این همان کاری است که من اصلاً دوست ندارم و خوشم نمی آید. از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شنیدم که می فرمود: در داخل آب موجودات زنده ای است که باید از آن ها شرم کنید و به احترام آنان بدون پوشش مناسب به داخل آب نروید. (18)

پی نوشت ها :

1. تربیت اسلامی، کتاب دوم، ص. 204.

2. و اما الحسن (علیه السلام) فانه ابني و ولدي، و مني و قرة عيني و ضياء قلبي و ثمرة فؤادی و هو سيد شباب اهل الجنة و حجة الله على الامه، امره امري و قوله قولي، من تبعه فانه مني و من عصاه فليس مني. بحار الانوار، ج 28، ص. 39.

3. تهذيب التهذيب، ج 2، ص. 259.

4. المناقب، ج 3، ص. 401.

5. مكارم الاخلاق، ص. 233.

6. احتجاج طبرسى، ج 1، ص 282.
7. تحف العقول، ص 233.
8. منية المريد، ص 33.
9. تحف العقول، ص 235.
10. ترجمة الامام الحسن (عليه السلام)، ص 167.
11. مسند احمد، ج 1، ص 200.
12. بحارالانوار، ج 43، ص 75.
13. مناقب، ج 3، ص 19.
14. بحارالانوار، ج 43، ص 342.
15. جلوه هائی از نور قرآن، ص 27.
16. البداية و النهاية، ج 8، ص 38.
17. اعلام الدين، ص 137.
18. مسند امام مجتبى (عليه السلام)، ص 797.